نحوه نزول قرائات مختلف

شاگرد:مقصود شما از میکس شدن صوت در وحی جبرئیل چه بود؟

استاد: من خلاصه آن را عرض میکنم. علی ای حال صحبت سر این است که لفظی که توسط لافظ تولید میشود در فضای ضعف قوه سامعه و ایجاد کننده هست که توحد میآید. ما یک لفظ را گوش میدهیم و یک صوت را ایجاد میکنیم. اگر هم قدرت ایجاد صوت و هم قدرت سماع صوت، بهصورت «لایشغله شأن عن شأن» شود، بالا میرود. آن روز هم که مثال زدم برای این بود: شما میبینید الآن وقتی میخواهیم ایجاد کنیم نمیتوانیم بیشتر از یکی ایجاد کنیم اما وقتی قدرت بالا میرود؛ یعنی دو-سه فایل صوتی داریم که همه آنها را با هم میکس میکنیم، دراینصورت لافظ ما چندتا میشود. یعنی وقتی یک گوشی را در گوشتان میگذارید میبینید هم زمان دو-سه نفر با هم حرف میزنند. یعنی تولید کننده صوت قدرت این را دارد که هم زمان چند صوت تولید کند. این از این طرف. شما که گوش میدهید اگر ضعیف باشید میگویید این را گوش بدهم ای آن را؟ چون ضعیف هستم. اما اگر نفس قوای داشته باشید و به همه گوش بدهید؛ یعنی بتوانید دقیقاً همه را سامان دهید، میبینید که هیچ مشکلی پیدا نشد. البته این یکی از وجوه بود. اگر شما زحمت کشیدید و فایل را دیدید مقصود ما از میکس این است. یعنی یکی از محتملات ثبوتی این است که وقتی ملک وحی در نفس قدسی پیامبر خدا ایجاد صوت کرده، الفاظ را با هم ایجاد کرده و حضرت هم باهم شنیدهاند. هیچ مشکلی هم ندارد.

راه دیگر هم این است که هر دفعه ای عرضه کند. من عرض سنوی را به این صورت معنا نمیکنم. قبلاً در دو-سه جلسه مفصل صحبت شد. عرض سنوی را آن طوری که علامه معنا میکنند، من عرض نمیکنم. ایشان میفرمایند عرض سنوی برای این است که هر دفعه یک جوری بیاید. خب این فرمایش ایشان است و هر دفعه ای هم که بگویم، میگویم فرمایش ایشان است. احتمال دارد که مقصود از عرض سنوی چیز دیگری باشد. یک ارتباطی با لیلة القدر، نزول هر چیزی و تقدیر سنه داشته باشد. این احتمالات در عرض سنوی هست.

شاگرد۲: در اقراء حضرت این محتمل هست که بهغیرازآن نزول، اقراء تسهیلی داشته باشد. یعنی اقراء همان قرآن نازل باشد اما بالاعم؛ یعنی خود حضرت اقراء کرده باشند.

استاد: منظور من از سنت همین بود.

شاگرد: نه اینکه به مردم اجازه بدهند که آنها بخوانند.

استاد: بله، تشریع همین بود. اقرائی که سنت باشد یعنی خود حضرت اقراء کرده باشند.

شاگرد: یعنی بخشی از این قرائات هم همان باشد.

استاد: بله، اگر پذیرفتیم. این خودش اول باید ثابت شود. من که اینها را میگویم باید در بحث علمی معلوم باشد. در بحث علمی نباید یک دفعه همه اینها به هم بریزد. ما داریم محتملات ثبوتی را میگوییم. احتمال هم میدهیم که این دلیل اثباتی آن را بگوید. در اینکه این دلیل اثباتی دلالت کند که ما اقراء به نحو سنت داریم یا نه، هنوز خیلی کار داریم. باید شواهد عدیده از روایات اهل البیت و از خود قرائات پیدا کنیم تا مطمئن شویم که اقراء به نحو سنت داریم. و الا

فعلاً هیچ. فعلاً تصور یک امر ثبوتی است که این روایت احتمال میرود آن را بگوید. این معلوم باشد. اینکه من تأکید میکنم به این خاطر است. در ذهن خودم هم همین است. ما در این هفت-هشت سال احتمالی را میآوردیم و مدام صبر میکردیم تا از چپ و راست و از کتب مختلف برای آن شاهد پیدا کنیم. و الا صرف یک احتمال که قرار نیست سر برسد.

شاگرد: یعنی این وجه ثبوتی و این که خود همه این قرائات ما انزل است، اثبات میخواهد. یعنی وجه ثبوتی این است که نیاز به اثبات دارد.

استاد: نه، وقتی ما ادله ای داریم که میفرماید «نزل القرآن علی سبعه..»، آن جا که دیگر این نیست.

شاگرد: یعنی اقراء تسهیلی داشته باشیم. ما «نزل» داریم اما مشخص نیست که کدام یک از این قرائات است.

استاد: مشخص نیست، مانعی ندارد. ولی این سؤال مطرح میشود که در اقراء به نحو سنت، تحدی هست یا نه. تناسب حکم و موضوع این است که تحدی در آن نباشد. چرا؟ نمیگویند که آن قرآن است، بلکه میگویند خدا به من اجازه داده به نحو سنت اقراء کنم.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شده 9 آوریل 2024 14:45:13 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 مه 2024 13:07:48 توسط ... .